

فریدون عباسی درباره شهید فخری زاده چه گفت

تهران (پانا) - در آستانه اولین سالگرد شهادت شهید محسن فخری زاده مهابادی، دانشمند برتر صنایع هسته‌ای و دفاعی کشورمان، با دکتر فریدون عباسی رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی و از دوستان و همکاران قدیمی این شهید بزرگوار، به گفت‌وگو نشستیم تا با زوایای کمتر گفته شده از زندگی مهندس فخری زاده آشنا شویم و ناگفته‌های دیگری را هم برای اولین بار منتشر کنیم.

به ZWNJ& گفتگوش ایران، این گفت‌وگو بخشی از یک مصاحبه تفصیلی است که در ادامه می‌ZWNJ& خوانید؛

سیا، موساد، MI۶ و منافقین به صورت ترکیبی و مشترک تیم ترور شهید فخری ZWNJ& زاده را تشکیل داده بودند بعد از سال ۹۲ با آقای فخری ZWNJ& زاده برخورد خوبی نشد کمتر استادی به جامعیت ایشان بود

سالگرد شهید فخری ZWNJ& زاده است. می‌ZWNJ& دانیم که شما روابط تنگاتنگ و قدیمی با ایشان و دیگر شهدای هسته ZWNJ& ای داشته‌اید. در مقدمه خوب است که مختصری به این سابقه آشنایی و کارهای مشترکی که با شهید فخری ZWNJ& زاده و دیگر یاران شهیدشان داشتید، بپردازیم.

دی ماه سال ۱۳۶۶ بود که برای نخستین بار با شهید فخری ZWNJ& زاده آشنا شدم. در واحد پدافندی روی پدافند هسته ZWNJ& ای کار می‌ZWNJ& کردیم. ایشان فیزیک هسته ZWNJ& ای خوانده بود و از طرف وزارت وقت سپاه معرفی شده بود تا با ما همکاری کند. ایشان پشتکار فراوانی داشت و کارش هم کار علمی و مطالعه منابع خارجی بود. تقریباً شش سال با هم کار کردیم و مرتباً بر دانش و تجربه ایشان افزوده می‌ZWNJ& شد. آقای فخری ZWNJ& زاده در آشکارسازی تابش ZWNJ& ای هسته ZWNJ& ای متخصص درجه یک کشور بود. از حول و حوش سال ۷۲ ZWNJ& کم ZWNJ& کم پایش را کمی از آزمایشگاه بیرون گذاشت و وارد کارهای اجرایی شد و از سال ۷۳ هم مسئولیت گروه فیزیک دانشگاه امام حسین (ع) را عهده ZWNJ& دار شد.

از حدود سال ۷۴ بود که برگزاری جلساتی با حضور اساتید دانشگاه ZWNJ& ای مختلف از جمله شهید شهریار و شهید علی ZWNJ& محمدی و با مدیریت شهید فخری ZWNJ& زاده آغاز شد. پروژه تقریباً سه سال طول کشید و خروجی ZWNJ& اش تهیه یک نقشه راه اولیه برای توسعه صنعت هسته ZWNJ& ای ایران بود. این نقشه راه نشان می‌ZWNJ& داد که اگر بخواهیم در صنعت هسته ZWNJ& ای کار کنیم، نقش دانشگاه ZWNJ& ها و وزارتخانه ZWNJ& ای مختلف، جایگاه انرژی اتمی و حوزه دفاعی کشور چیست و قدرت ساخت و تولید چه ابزارآلات صنعتی را داریم.

آقای فخری ZWNJ& زاده از سال ۷۷ به وزارت دفاع مأمور شد و در پروژه ZWNJ& تحول صنعت هسته ZWNJ& ای نقش اساسی داشت. بر اساس این اصل و ایده که نیروهای نظامی در دوران صلح باید در بازسازی کشور شرکت کنند، ایشان هم به عنوان فردی که در واحد علمی بر مباحثی نظیر صوت، لیزر و هسته ZWNJ& ای مسلط بود به عنوان پشتیبان انرژی اتمی وارد عمل شد.

تصویری که از همکاری دانشمندان هسته ZWNJ& ای ارائه دادید، تصویر بدیعی است، زیرا بسیار به ZWNJ& ندرت ممکن است که اساتید چند دانشگاه مختلف کنار هم بنشینند و بخواهند یک مسأله علمی کشور را با هم حل کنند.

شهید فخری ZWNJ& زاده وقتی می‌ZWNJ& دید که کسی باهوش است و به کار کشور می‌ZWNJ& آید، کاری نداشت که در محیط نظامی یا سپاه یا وزارت دفاع است، او را جذب می‌ZWNJ& کرد و سعی می‌ZWNJ& کرد زمینه ZWNJ& ای رشد علمی ZWNJ& اش را فراهم کند. از جمله این افراد شهید شهریار بود که قبل از شهادتش برای مشکلی که در روند تولید

سوخت ۲۰ درصد به وجود آمده بود، نرم‌افزار محاسباتی را طراحی کرد. من سه ماه بعد از عملیات ترور و شهادت ایشان مسئول انرژی هسته‌ای ZWNJ شدیم و باید بر اساس آن محاسبات مشکل را حل می‌کردیم. در این زمینه هم از دکتر فخری ZWNJ زاده کمک خواستیم. نیروی انسانی و تجهیزاتی که در سازمان انرژی اتمی داشتیم به تبحری که ایشان در سیستم داشت نیازمند بود و با حضور ایشان کار پیش رفت و در سال ۸۹ یا ۹۰ بسته‌های سوخت ۲۰ درصد تولید شد.

ایشان به فلسفه علم هم علاقه داشت و با کمک دوستانی که فلسفه علم می‌دانستند، برنامه دکترای فلسفه علم را در دانشگاه امام حسین (ع) طراحی کردیم. آن صبحی که دکتر علی ZWNJ محمدی شهید شد (۲۱ دی ZWNJ ماه ۱۳۸۸) مطابق دوشنبه ZWNJ های هر هفته ساعت ۷/۵ صبح جلسه فلسفه علم با آقای فخری ZWNJ زاده داشت.

فخری ZWNJ زاده جایگاه علمی بالایی داشت و می‌توانست با متخصصین مختلف کشور در رشته ZWNJ های مختلف کار و آنها را سازماندهی کند. خودش هم در آشکارسازی تابش ZWNJ های هسته‌ای ZWNJ ای و هم در محاسبات هسته‌ای ZWNJ ای تخصص داشت. او در این سال ZWNJ ها در زمینه ارتقای صنعت هسته‌ای ZWNJ ای کشور خیلی زحمت کشید و نقش اساسی داشت و در همه دانشگاه ZWNJ ها پشتیبان همه متخصصین کشور بود. مدیریت توزیع این فناوری در همه دانشگاه ZWNJ ها و رشد و تربیت افراد و ساخت آزمایشگاه ZWNJ های مختلف، با آقای فخری ZWNJ زاده بود.

طبیعتاً همین اثرگذاری ZWNJ ها ایشان را هدف پروژه شوم ترور کرد. با توجه به سابقه ترور دانشمندان هسته‌ای ZWNJ ای آیا اقدام برای ترور شهید فخری ZWNJ زاده مسبوق به سابقه بود؟ تقریباً از سال ۸۸ بحث احتمال ترور ایشان مطرح بود. در سال ۸۷ من و آقای فخری ZWNJ زاده و یک نفر دیگر را که در اصفهان فعال بود، خواستند ترور کنند. اولویت ZWNJ شان البته آقای فخری ZWNJ زاده بود. از همان زمان نیروهای حفاظت و امنیت ایشان را محافظت می‌کردند. تا این حد که خانه ZWNJ اش را عوض کردند و حتی من با همه رفت و آمد خانوادگی که داشتیم تا زمانی که شهید شد نمی‌دانستم خانه ZWNJ اش کجاست. ایشان ۱۲ سال تحت ZWNJ الحفظ بود و محافظ داشت و می‌ZWNJ شود گفت که همین حفاظت ZWNJ ها بود که توانست ترورش را به تأخیر بیندازد. سال ۸۷ تیمی آمده بود که ایشان را بزند. نیروهای امنیتی آن تیم را کشف و عملیات ترور را خنثی کردند.

تیم ترور سال ۸۷ از طرف موساد بود؟

یک تیم ترکیبی بود. جمع ZWNJ آوری اطلاعات بیشتر به وسیله منافقین و نیروهای ضدانقلابی از داخل کشور انجام شده بود. MI۶ انگلستان هم خیلی فعال بود و نقش اساسی در شناسایی دانشمندان هسته‌ای ZWNJ ای داشت و حتی مستقیم نقش خودش را نشان می‌داد. هم CIA، هم موساد و هم گروه ZWNJ های ضدانقلاب که در داخل فعالیت می‌ZWNJ کنند در شناسایی افراد، ZWNJ تشخیص دفاترشان، اینکه در دفاترشان چه چیزهایی هست، میزشان کجاست، کامپیوترشان در کدام قسمت است و چه پروژه ZWNJ هایی دارند، در چه کلاس ZWNJ هایی درس می‌ZWNJ دهند و تخصص آنها چیست، همکاری می‌ZWNJ کردند.

اینکه گفتید MI۶ مستقیم خودش را نشان می‌داد، یعنی چه؟

یعنی مأمورش می‌ZWNJ آمد و می‌ZWNJ گفت من از MI۶ آمده‌ام و می‌ZWNJ خواهم با شما صحبت کنم. یعنی به محل اقامت یک متخصص یا بازرگان ایرانی در خارج کشور می‌ZWNJ رفتند و درباره کسانی که سوژه ترور بودند، رسماً سؤال می‌ZWNJ پرسیدند.

با خود شما هم صحبت کردند؟

نه، با من صحبت نکردند، چون من خارج نمی‌ZWNJ رفتم. فخری ZWNJ زاده و شهریاری هم نمی‌ZWNJ رفتند. از افرادی که برای کنفرانس ZWNJ ها می‌ZWNJ رفتند، مدتی اقامت یا فرصت مطالعاتی داشتند یا به دیدن خانواده ZWNJ های ایشان می‌ZWNJ رفتند، پرس و جو می‌ZWNJ کردند. همان مراجعات نشان می‌ZWNJ داد که روی آقای فخری ZWNJ زاده خیلی کار می‌ZWNJ کردند. این در حالی بود که حتی تا این اواخر عکسی از آقای فخری ZWNJ زاده لو نرفته بود.

با این حال گویا شهید فخری ZWNJ زاده از سال ۸۵ جزو لیست تحریم ZWNJ ها بود.

نام من و آقای فخری ZWNJ زاده از اسفند ۸۵. در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل مطرح شد و ما و چند نفر دیگر بر

اساس آن قطعنامه تحریم شدیم. همان زمان به ما می‌گفتند که ترور خواهید شد. برایمان معلوم بود که مبارزه و رشد و اعتلای جمهوری اسلامی ایران بهایی دارد که باید بپردازیم.

شهید فخری‌زاده در هنگام شهادت ریاست سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی (سپند) را برعهده داشت. در مجموعه سپند هم با ایشان همکاری داشتید؟

تا همین اواخر هر وقت آقای فخری‌زاده کار جدیدی داشت که به سرعت عمل نیاز داشت، به سراغ من می‌رفتند. من در دانشگاه بوم و ایشان در دانشگاه مالک اشتر و وزارت دفاع بود. موقعی که به سازمان انرژی اتمی رفتم، از ایشان خواستم که بیاید و با هم کار کنیم و شرایط طوری شد که با هم همکاری کردیم و ارتباط نزدیکی بین انرژی اتمی و آن مجموعه ایجاد شد.

سعی کردیم یک سری شرکت‌های مشترک تشکیل بدهیم. یعنی متخصصین را بیاوریم، مجموعه نظامی بیاید و دولت هم از طریق انرژی اتمی وارد بشود و روی موضوعات خاص انسجام مدیریت ایجاد کنیم، منابع مالی، انسانی و تجهیزات. من را مدیریت و جهش ایجاد کنیم. تا زمانی که من در انرژی اتمی بوم این ارتباط برقرار بود و کار انجام شد. اما سال ۹۲ که دولت آقای روحانی سر کار آمد و من از انرژی اتمی جدا شدم، با آقای فخری‌زاده برخورد خوبی نشد. با این حال ایشان توانست مقاومت کند و تشکیلات را تا زمان شهادتش حفظ کند.

یعنی کار را همچنان در همکاری با سازمان انرژی اتمی پیش می‌بردند؟
نه دیگر. تا وقتی که من بوم همکاری و کمک می‌کردند. وقتی رفتم، دیگر انرژی اتمی نمی‌خواست که به فخری‌زاده کمک کند و به حالت رکود رفت و در انرژی اتمی ایستایی به وجود آمد. فخری‌زاده مأموریت‌های دیگری هم داشت. مثلاً این اواخر بحث تشکیلات زیستی را پیگیری می‌کرد. بعد سراغ شناسایی کرونا و تولید واکسن هم رفت و واکسن فخری‌زاده حاصل تلاش ایشان در همان مجموعه پژوهش‌های نوین دفاعی کشور است.

سختگیری‌ها و همکاری نکردن‌های دولت قبل به کار ایشان در سپند هم تسری داشت؟
بله، محدودیت‌هایی اعمال شد، ولی پیش‌بینی‌هایی شده بود که آن محدودیت‌ها تأثیر نکنند. خیلی تلاش کردند که ایشان هم مثل تشکیلات انرژی اتمی محدود شود که الحمدلله در رأس کشور و در آنجا افراد فهیمی بودند که کمک کردند آن سیستم حفظ شود که یکی از آثارش همین کیت کروناست که از نظر ما پیش پا افتاده است. یعنی اینکه بگویند آقای فخری‌زاده کیت کرونا کار می‌کرده، یک مقداری سبک کردن وزن ایشان است. ایشان مدیر بسیار برجسته‌ای در کشور بود و جنبه علمی‌اش بر جنبه مدیریتی‌اش می‌چربید. قدرت جذب نیرویش خیلی بالا بود و با انواع و اقسام سلیقه‌ها می‌ساخت. آنها با هم نمی‌توانستند بسازند. خیلی از اساتید دانشگاه با هم نمی‌ساختند، ولی آقای فخری‌زاده با آنها می‌ساخت. من تا سال ۸۴ به مدت ۷ سال در همان مجموعه دفاعی با ایشان کار می‌کردم.

آقای فخری‌زاده به مباحث علمی علاقه داشت و در بحث پرتوهای کیهانی مطالعه می‌کرد. قبل از اینکه رئیس انرژی اتمی بشوم یک بورس تحصیلی از وزارت دفاع برای فخری‌زاده درخواست شد و چون واجد شرایط بود، وزارت علوم این بورس را به او داد. او البته می‌خواست که بورس را تبدیل به تحصیل در داخل کشور کند و من توانستم این موافقت را از پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای در انرژی اتمی بگیرم. وقتی به رئیس پژوهشگاه گفتم آقای فخری‌زاده می‌خواهد پذیرش بگیرد، گفت ایشان فرد علمی سطح بالایی است و افتخار ماست که ایشان بیاید و در اینجا درس بخواند و همان جا نامه را نوشت و امضا کرد و برای وزارت علوم فرستاد. رساله دکترای ایشان هم در موضوع آشکارسازی تابش‌های هسته‌ای بود.

با این حال چنانچه اشاره داشتید حضور ایشان در اتاق پژوهش‌های علمی و آن کارگروه تدوین نقشه راه توسعه هسته‌ای پیشتر آغاز شده بود.

شهید فخری‌زاده تقریباً از ۷۷ به وزارت دفاع مأمور شد و بعد از چند سال هم منتقل شد. ما هم مدتی در وزارت دفاع مأمور بودیم، ولی در دانشگاه امام حسین (ع) هم درس می‌دادیم. درباره آنچه در اتاق پژوهش‌های علمی انجام شد معتقدم که خدا ما را هدایت می‌کرد. زمانی من را از طرف وزارت علوم خواستند و با وجود اینکه

به ZWNJ& عنوان یک تحصیلکرده فیزیک چندان تمایلی به کار در حوزه نرم افزار نداشتیم در این وادی افتادم. مثل اینکه باید کار آن نرم افزار را شروع می ZWNJ& کردم تا بعد شهید شهرداری برای رساله دکترایش به آن نیاز پیدا کند و همان بهانه آشنایی ZWNJ& مان بشود. اگر من با شهرداری آشنا نمی ZWNJ& شدم، اصلاً دنبال خواندن دکترای نمی ZWNJ& رفتم و در همان کارهای اجرایی می ZWNJ& ماندم. به باورم دست خدا با مجموعه افرادی بود که با هم کار می ZWNJ& کردند.

نخ تسبیح هم شهید فخری ZWNJ& زاده بود که طی سال ZWNJ& ها این تیم را حفظ کرد؟
حتماً همین ZWNJ& طور بود. آقای فخری ZWNJ& زاده جذبه لازم را داشت که بتواند افراد مختلف را دور خودش جذب کند و یکی از علل ترورش تخصص او و در عین حال مدیریتی بود که در مسائل استراتژیک داشت. آنها فخری ZWNJ& زاده را از همان دهه ۷۰ شناسایی کرده بودند.

این شناسایی چطور انجام شده بود؟
در ابتدا گویا اسامی استادان را از روی تابلوهای روی دیوار که اتاق استادان را نشان می ZWNJ& داد نوشته و به ZWNJ& عنوان اطلاعات به سرویس ZWNJ& های خارجی داده بودند که بعدها در سایت ZWNJ& های منافقین بازتاب یافت. چون فقط اسم دو نفر که اتاقشان تابلو نداشت در فهرست نبود.

اسامی استادان دانشگاه امام حسین (ع) را داده بودند؟
بله، با این عنوان که اینها در تحقیقات هسته ZWNJ& ای فعال هستند. در صورتی که اینطور نبود و در آنجا اصلاً بحث تحقیقات هسته ZWNJ& ای به این شکل مطرح نبود. شنود تلفنی هم می ZWNJ& شد. مثلاً یکی از آنها زنگ زد و با خود من حرف زد که تخلیه اطلاعات کند. منشی توجیه بود و من اسم دیگری را گفتم. گفت می ZWNJ& خواهیم همایش بگذاریم و برای آقای عباسی و فخری ZWNJ& زاده سخنرانی گذاشته ZWNJ& ایم و بیوگرافی ZWNJ& شان را می ZWNJ& خواهیم. من هم خیلی راحت با او صحبت کردم و گفتم شما که سخنرانی گذاشته ZWNJ& اید، حتماً آنها را می ZWNJ& شناسید. گفت کامل ZWNJ& تر می ZWNJ& خواهیم. یعنی تخلیه تلفنی ZWNJ& هایی که به این ترتیب هم صورت می ZWNJ& گرفت و کسب اطلاعات می ZWNJ& شد.

آقای فخری ZWNJ& زاده چون مقاله نمی ZWNJ& داد و عکسی هم از ایشان منتشر نمی ZWNJ& شد، برایشان حکم یک جعبه ZWNJ& سیاه داشت. ولی اطلاعات درباره ایشان را از افراد دیگر می ZWNJ& گرفتند. ولی استادانی مثل علی ZWNJ& محمدی و شهرداری را که مقاله می ZWNJ& دادند می ZWNJ& توانستند از روی عکس و مقاله ZWNJ& شان تجزیه و تحلیل کنند.

آقای فخری ZWNJ& زاده قدرت سازماندهی و مدیریت علمی بسیار سطح بالایی داشت. کمتر استادی به جامعیت ایشان بود. ایشان در کنار این ویژگی ZWNJ& ها می ZWNJ& توانست پروژه ZWNJ& های جدید راه بیندازد و کار را پیش ببرد و جانش را هم کف دستش بگیرد. بسیار هم آدم منضبطی بود تا به امور دیگرش مثل مطالعه در فلسفه علم و شعر و... برسد. از ساعت ۷ شب با خانواده ZWNJ& اش بود و ۱۲ ساعت در روز کار می ZWNJ& کرد.

با این وجود، این تصور در میان برخی ممکن است وجود داشته باشد که این دانشمندان برای دستیابی به بمب هسته ZWNJ& ای تلاش می ZWNJ& کردند و برای همین هدف ترور قرار گرفتند.

کدام استاد دانشگاهی بود که از آقای فخری ZWNJ& زاده در زمینه ZWNJ& های مختلف از فیزیک، شیمی، مکانیک، متالورژی، برق و... کمک خواسته باشد و ایشان به او امکانات نهد و پروژه برایش تعریف نکند؟ اسم تشکیلاتی که این اواخر دست آقای فخری ZWNJ& زاده بود سازمان پژوهش ZWNJ& ها و نوآوری دفاعی یا پژوهش ZWNJ& های نوین دفاعی بود. این یعنی اگر کسی بخواهد در نوآوری دفاعی کار کند، گستره وسیعی از علم و فناوری را لازم دارد. هسته ZWNJ& ای، موشکی و الکترونیک و... خود به خود از دل این بیرون می ZWNJ& آید. منتهی تحفظ ما درباره سلاح هسته ZWNJ& ای بر اساس فتوای صریح رهبر معظم انقلاب بر حرمت سلاح هسته ZWNJ& ای کاملاً مشخص است. منتها فخری ZWNJ& زاده این سیستم را ایجاد کرده بود و مسأله ZWNJ& اش هم فقط دفاع از کشور خودمان نبود. زیرا کشور ما پشتیبان جبهه مقاومت است و وقتی شما وارد این مسائل بشوید، صهیونیست ZWNJ& ها حساس می ZWNJ& شوند. فقط هم آقای فخری ZWNJ& زاده نبود. مدیران دیگر مجموعه ما هستند که این خصوصیات را دارند. دشمن تشخیص داد که آقای فخری ZWNJ& زاده شاخصه ZWNJ& ای دارد که باید حذف فیزیکی بشود. دنبال دیگران هم هستند و هر وقت دستشان برسد و اولویت پیدا کنند، نفرات ما را حذف می ZWNJ& کنند.

ولی شهید فخری و زاده سال؛ زWNJ؛ها اولویت آنها بود

فخری و زاده حداقل از سال ۸۷ و به اعتقاد من قبل از آن مدنظر بوده، ایشان از سال ۸۵ تحریم هم شده بود. طبق اظهار نیروهای امنیتی ما آنها از سال ۸۴ تیم ترور تشکیل داده بودند. دشمن، ایشان را شناسایی کرده بود، اما دسترسی نداشت. ولی وقتی رشد همه جانبه کشور در بحث ماهواره و موشکی و هسته و زWNJ؛ای پیش آمد و ما از مرزهای مختلف دانش عبور کردیم مسأله برایشان جدی و تر شد.

در مقابل در زمان شهادت ایشان برخی رسانه و زWNJ؛های جریان معاند سعی داشتند که بگویند ایشان دانشمند هسته و زWNJ؛ای نبوده است.

همان جریانی که نمی و زWNJ؛خواست ایشان دانشمند جلوه کند، می و زWNJ؛گفت ایشان مدیر اجرایی رده و زWNJ؛ چندم در سپاه بوده. این و زWNJ؛طور داشتند القا می و زWNJ؛کردند یا ایشان را در حد کیت کرونا پایین می و زWNJ؛آوردند. چون کرونا در جامعه شیوع پیدا کرده بود، گفتند در جمهوری اسلامی کسی کیت کرونا تولید کرده و به این دلیل ترورش کرده و زWNJ؛اند که این مسخره است. نمی و زWNJ؛گویم در حوزه فناوری زیستی کسی را ترور نمی و زWNJ؛کنند. در آنجا هم خطر دانشمندان ما را تهدید می و زWNJ؛کند، ولی آقای فخری و زWNJ؛زاده عقبه و زWNJ؛ای داشت که معلوم بود چه کار می و زWNJ؛کند، ولی اینها نمی و زWNJ؛خواستند ادامه بدهند. هم در حول و حوش سال ۸۲ و هم در سال ۹۲ این برخوردها صورت گرفت که این نیروها برکنار شوند یا بیرون بروند. توجیه و زWNJ؛شان هم این بود که ما می و زWNJ؛خواهیم برویم و با دنیا صلح کنیم و اینها محل هستند. چون اسمشان در قطعنامه است و دشمن تهدیدشان می و زWNJ؛کند، پس بهتر است که اینها نباشند. اما قوه عاقله نظام اجازه نداد که چنین اتفاقاتی بیفتد. وقتی آنها نتوانستند آقای فخری و زWNJ؛زاده را با این فضا سازی و زWNJ؛های داخلی کنار بگذارند، برنامه ترور را در دستور کارشان قرار دادند.

آقای رضائی و زWNJ؛نژاد را چرا ترور کردند؟ چون دانشجوی دانشگاه خواجه نصیر بود؟ چه چیزی در رضائی و زWNJ؛نژاد بود که او را ترور کردند؟ رضائی و زWNJ؛نژاد یک نیروی باهوش همکار ما بود. مدتی هم بود که درس را رها کرده و فوق و زWNJ؛لیسانسش را نیمه تمام گذاشته بود، چون برایش مهم نبود. به جای آن آمد و ایستاد و کار کرد و به یک متخصص درجه یک کشور تبدیل شد.

در چه زمینه و زWNJ؛ای؟

در حوزه الکترومغناطیس به روش و زWNJ؛های خاص دست پیدا کرده بود که می و زWNJ؛توانست کاری کند که دستگاه و زWNJ؛های تصویربرداری و زWNJ؛ای را بسازد که بتوانند از موتور هواپیما در حال چرخش عکسبرداری کنند. او در مقیاس کوچک یک دستگاه تصویربرداری و زWNJ؛ای را با استفاده از الکترونیک و الکترونیک قدرت ساخته بود که به اینها می و زWNJ؛گویند Pulse Power. آقای رضائی و زWNJ؛نژاد بدون اینکه به خارج بروند، در داخل کشور چنین تخصصی پیدا کرده بود. این تخصص وقتی بیاید و در کنار یک تخصص فیزیک گداختی یا در کنار فیزیک هسته و زWNJ؛ای آشکارسازی هسته و زWNJ؛ای قرار بگیرد، می و زWNJ؛شود دستگاه مولد X و نوترون. آقای رضائی و زWNJ؛نژاد می و زWNJ؛توانست در این زمینه مقدمات را برای بقیه فراهم کند و بعد تشویق شد که برود و فوق لیسانسش را در همین زمینه بگیرد. همه درس و زWNJ؛ها را بلد بود و نیاز نبود درس بخواند. تیزش را هم همان اول ترم گذاشت روی میز و گفت این هم محاسباتش. کافی بود دو سه تا آزمایش انجام بدهد و استادش بگوید مقاله بده و مقاله هم می و زWNJ؛داد. آقای فخری و زWNJ؛زاده هم می و زWNJ؛توانست در حوزه خودش آدمی مثل رضائی و زWNJ؛نژاد را اداره کند.

شهید فخری و زاده با آقای رضایی و زWNJ؛نژاد ارتباط داشتند؟

بله، آقای رضائی و زWNJ؛نژاد می و زWNJ؛گفت از سبک مدیریت آقای فخری و زWNJ؛زاده خوشم می و زWNJ؛آید و دوستش دارم. فخری و زWNJ؛زاده هم به امثال ایشان میدان می و زWNJ؛داد که کار کنند. به و زWNJ؛نظر من دشمن باید خیلی بیشتر از چیزی که الان از ما می و زWNJ؛ترسد بترسد و چون اطلاعات دارند که قدرت ما چقدر است، آدم و زWNJ؛هایمان را ترور می و زWNJ؛کنند که تضعیف و زWNJ؛مان کنند، رعب در دل ما بیندازند و سازماندهی ما را به هم بریزند، چون معتقدند اگر آدم و زWNJ؛های نخبه و زWNJ؛ای را که در ایران هستند ترور کنیم، بهتر از این است که برویم یک کارخانه را بزنیم. این هم روشی است که در پیش گرفته و زWNJ؛اند و تمام هم نمی و زWNJ؛شود، مگر زمانی که ما آنها را به و زWNJ؛خطر بیندازیم؛ یعنی ما باید هرچه زودتر از بعضی مرزهای علمی عبور کنیم و توانمندی و زWNJ؛مان را نشان بدهیم و از آدم و زWNJ؛هایمان با تکثیر آدم و زWNJ؛ها و تفکرات آنها به متون درسی محافظت کنیم. باید این علوم را به دانشگاه و زWNJ؛ها برد و در سطح جامعه پخش کرد. به این ترتیب مثل یک سیستم عامل عمل می و زWNJ؛کند و دیگر کسی نمی و زWNJ؛تواند با ترور کردن افراد، آن را

تعطیل کند.

خاطره‌ای از آقای شهریاری یا علی‌محمدی در مورد آقای فخری‌زاده دارید؟ آقای فخری‌زاده برای همه اینها مثل یک برادر عالم بود. شهید فخری‌زاده و شهید شهریاری شخصیت‌های کاریزماتیکی داشتند. اما مقیاس کاریزمای شهید فخری‌زاده بزرگ‌تر بود و این ویژگی باعث می‌شد افراد بیشتری در اطرافش جمع بشوند. فخری‌زاده خیلی صبور بود و افراد و ناملایمات را تحمل می‌کرد. از همه هم پشتیبانی می‌کرد و می‌گفت نظام باید به همه افراد میدان بدهد.

از سال ۹۲ که فضای فعالیت از ایشان گرفته شد و ... محدود شد، ولی چون پیش‌بینی‌های لازم شده بود، آن محدودیت کم عمل کرد تا حمایت‌های لازم بشود. نمی‌گویم آن محدودیت‌ها صفر شد. یک مقدار ایشان را محدود کردند و حتی ایشان را تا آستانه خلع و تعطیلی تشکیلات بردند، ولی موفق نشدند. یادتان می‌آید در این‌باره چیزی به‌شما گفته باشند؟ یکی از دوستانشان می‌گفت در همان دوران که فشار زیادی روی ایشان بود کار جدیدی را شروع کرده بودند او واقعاً از هیچ می‌توانست چیزی درست کند. همین صبوری‌اش و همین که درک می‌کرد موضوع مهمی است، از دیگران مشورت می‌گرفت و شهید علی‌محمدی خیلی برایش مشاور برجسته‌ای بود، چون ایشان از نظر دانش فیزیکی آدم بسیار قوی‌ای بود و خیلی دقیق کار می‌کرد.

شهید همدیگر را پیدا کردند و من این را قدرت خدا می‌دانم. مثلاً رضائی‌نژاد چطور با علی‌محمدی آشنا می‌شود؟ کاملاً اتفاقی در اتاق من. یا من چطوری با آقای شهریاری آشنا بشوم؟ یک وقتی کار را بدهم به آقای فخری‌زاده و بگویم دیگر دوره من تمام شده و نوبت شماهاست و بعد بروم بنشینم توی اتاقم و جهت‌دار کار کنم. کار علمی‌ای که بدون بخل باشد و آدم‌هایی باشند که اینها را به‌هم وصل کنند و اینها با یک برخورد اولیه فرار نکنند و بگویند همه بیایید. فخری‌زاده این قدرت را داشت که آدم‌ها را از جاهای مختلف بیاورد و از اینها بهترین راندمان را بگیرد. حتی می‌دانست که کجاها باید موازی کار کند و اینها را رشد بدهد.